

شاهانه یا نه؟

یادبودنامه‌های آشوری در نواحی شرقی امپراتوری

مهرداد ملک‌زاده*

دکترای باستان‌شناسی دوره‌ی تاریخی، پژوهشکده باستان‌شناسی

malekzadeh.mehرداد@gmail.com

سولماز احمدزاده خسروشاهی

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۶

(از ص ۸۳ تا ۱۰۲)

چکیده

یکی از راه‌های جاودان ساختن اعمال و کردارهای پادشاهان در روزگار باستان، خصوصاً در آسیای غربی، برپا ساختن سنگ‌یادمان‌ها و برنوشتن کتیبه‌های سنگی و نقوش برجسته در مکان‌های خاص و نمایان بوده است. برپایی این یادمان‌ها در مناطق مهم برای بزرگداشت پیروزی‌های نظامی و یا ادعای تسلط سیاسی و اقتصادی در مناطق مختلف، یک سنت رایج در شرق نزدیک باستان بوده است. پادشاهان امپراتوری آشور (۹۳۴ تا ۶۰۵ ق.م.) که بارهای بار به لبه‌ی غربی فلات ایران لشکر کشیدند و گه‌گاه به مناطق درون ایران و سرزمین‌های شرقی‌تر راه یافتند از خویش یادمان‌ها و یادگارهای سنگی متعددی برجای گذارند و خاطره‌ی کشورگشایی‌های خود را جاودان ساختند. امروزه در ایران ۵ سنگ‌یادمان و نقش برجسته‌ی آشوری بازشناخته شده است؛ به گونه‌ای دقیق‌تر دو سنگ‌یادمان و سه نقش برجسته. سطح هنری و میزان دقت و ظرافت مصروف در تولید چنین آثار هنری یادمانی، نشان‌دهنده‌ی میزان اهمیت این نواحی در نگاه کشورگشایانه پادشاهان آشور نو است. در پژوهش حاضر، سعی گردیده با سنجش میان سبک هنری این ۵ اثر، به بازسازی انگیزه‌های کشورگشایی آشوریان پرداخته شود و به این پرسش که آیا از طریق تحلیل هنری این آثار می‌توان به میزان اهمیت مناطق پیرامونی در نگاه راهبردی امپراتوری آشور پی‌برد، پاسخ داده شود. این پژوهش از نوع تحقیقات بنیادی و از منظر روش تحقیق به صورت تاریخی و توصیفی-تحلیلی است. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این نکته است که این ۵ اثر از نگاه سطح هنری ابداعاً با یکدیگر برابر نیستند؛ در دو سنگ‌یادمان تیگلت‌پیلسر سوم (۷۴۴ تا ۷۲۷ ق.م.) و سارگن دوم (۷۲۱ تا ۷۰۵ ق.م.)، با سبکی برتر، رسمی و شاهانه و در سه نقش برجسته‌ی تنگور، میشخاص و اشکفت گل‌گل با نقوشی کنده شده در دل کوه و لاجرم سبک هنری آفریده شده در محل، مواجه‌ایم که شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در اجرا با هم دارند. این پژوهش از این منظر می‌تواند مورد اهمیت باشد که یادمان‌های آشوری یافت شده در ایران را با هم و با نمونه‌های مشابه در مناطق همجوار مورد ارزیابی سبک هنری قرار داده است. **کلیدواژه‌گان:** سنگ‌یادمان، نقوش برجسته، آشور نو، نجف‌آباد، تنگور، اشکفت گل‌گل، میشخاص.

مقدمه

در نیمه‌ی نخست هزاره‌ی اول ق.م. امپراتوری آشور نو در میان‌رودان شمالی قدرت گرفت. طی سال‌های ۹۱۱ تا ۶۱۲ ق.م. نزدیک به ۳۰۰ سال بخش بزرگی از آسیای غربی و گاه شمال آفریقا به زیر یوغ پادشاهان آشوری می‌بود. سپاهیان آشوری به سرزمین‌های دور و نزدیک لشکر می‌کشیدند و بدین‌سان چهره‌ی تاریخی و جغرافیایی نوینی برای مشرق‌زمین ترسیم می‌کردند. خاک آشور از لحاظ منابع طبیعی و معدنی بسیار فقیر بود. قدرت یافتن روز افزون آشور طی نیمه‌ی نخست هزاره‌ی اول ق.م. و نیاز این امپراتوری که طبیعتی این‌چنین فقیر داشت، به منابع طبیعی و معدنی سرزمین‌های دیگر، لشکرکشی‌های متعدد غارتگرانه‌ی پادشاهان آشور را به اینجا و آن‌جا الزام می‌کرد؛ درواقع آشوریان برای بقای امپراتوری مجبور بودند که دائماً به جنگ‌های کوتاه و بلند در سرزمین‌های دور یا نزدیک مشغول باشند، در غیر این‌صورت این امپراتوری دوامی نمی‌داشت و از بین می‌رفت (ملکزاده، ۱۳۸۰: ۱۴). کوهسارهای زاگرس، نیمه‌ی غربی و شمال غرب ایران نزد آشوریان منبع پایان‌ناپذیری از غنایم پُرازش به‌شمار می‌آمد؛ در فاصله‌ی سده‌های دهم تا هفتم ق.م. آشوریان با هدف دستیابی بر مواد اولیه‌ی سرشار و منابع طبیعی و معدنی غنی این سرزمین‌ها و نظارت بر شاهراه خراسان بزرگ بارها و بارها به زاگرس تاختند^۱ (ملکزاده، ۱۳۸۲: ۴۸). شرح این لشکرکشی‌ها که در کتیبه‌های سلطنتی و سالنامه‌های آشوری آمده از مهم‌ترین منابع بازسازی تاریخ ماد است. آشوریان افزون بر نشتن چنان متونی بخشی از شرح پیروزی‌های خود را در قالب هنر یادمانی به‌شکل یادبودنامه‌های منفرد و یا نقوش برجسته‌ی صخره‌ای تجسم بخشیدند. از دوره‌ی آشور نو علاوه‌بر آثار بسیار پُرازشی که در عراق امروزی یافت می‌شود، چند نمونه نیز از حدود ۵۰ سال پیش تاکنون در گوشه‌گوشه‌ی خاک ایران امروزی یافت شده است. امروزه در ایران ۵ نقش برجسته و سنگ‌یادمان دوره‌ی آشور نو بازشناخته شده است؛ به‌گونه‌ای دقیق‌تر دو سنگ‌یادمان (در دو موزه‌ی تهران و اورشلیم) و سه نقش برجسته (بر دل کوه‌ها). در دو سنگ‌یادمان پیش‌گفته، یکی از آن تیگلت‌پیلسر سوم (۷۴۴ تا ۷۲۷ ق.م.) و دیگری از آن سارگن دوم (۷۲۱ تا ۷۰۵ ق.م.)، ما با سبکی برتر و برکشیده، رسمی و شاهانه مواجه هستیم. در سه نقش برجسته‌ی پیش‌گفته، یکی از آن سارگن دوم و دوتای دیگر از آن واپسین شاهان آشوری، احتمالاً آسرخدون (۶۸۰ تا ۶۶۹ ق.م.) یا آشوربانی پال (۶۶۸ تا ۶۲۷ ق.م.) با نقوشی کنده شده در دل کوه و لاجرم سبک هنری آفریده شده در محل، مواجه‌ایم که شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در اجرا با هم دارند. در حقیقت وجود چنین آثاری در ایران غربی نشان‌دهنده‌ی آن است که این نواحی در قلمرو تابعه‌ی امپراتوری آشور، جایگاه ویژه خود را دارا بوده است.

در مقاله‌ی حاضر علاوه‌بر سنجش میان سبک هنری این ۵ اثر یادمانی با هم و با آثار مشابه در مناطق همجوار، به بازسازی دغدغه‌ها و انگیزه‌های کشورگشایی آشوریان می‌پردازیم.

روش‌شناسی پژوهش

این نوشتار براساس هدف، از نوع تحقیقات بنیادی و از منظر ماهیت و روش تحقیق به صورت تاریخی و توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌های آن مبتنی بر مطالعات ترکیبی میدانی و کتابخانه‌ای محسوب می‌شود. بدین صورت که اطلاعات، مقالات و گزارش‌های مربوط به آثار مورد نظر، ابتدا به صورت کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته و سپس برخی از آن‌ها به صورت میدانی مورد مشاهده و مطالعه‌ی قرار گرفته است تا در نهایت با مقایسه‌ی تطبیقی سبک هنری این آثار و آثار مشابه در مناطق همجوار، به تحلیل سبک هنری آن‌ها پرداخته شود تا از این طریق میزان مطلوبیت هنری آن‌ها و اهمیت ایجادشان در نگاه راهبردی (استراتژیک) امپراتوری آشور معین گردد.

پیشینه‌ی پژوهش

امروزه در ایران پنج سنگ‌یادمان و نقش برجسته‌ی آشوری بازشناخته شده، به گونه‌ای دقیق‌تر دو سنگ‌یادمان و سه نقش برجسته. اولی، سنگ‌یادمان موسوم به لرستان تیگلت پیلسر سوم که متأسفانه محل پیدایش آن امروزه نامعلوم است؛ اما هم‌اکنون در موزه‌ی هنری شرق باستان در بیت‌المقدس نگهداری می‌شود (Levine, 1972; Tadmor, 1994; Tadmor & Yamada, 2011). دومی، سنگ‌یادمان سارگن دوم موسوم به سنگ‌یادمان نجف‌آباد که در بررسی‌های هیأت باستان‌شناسی آمریکایی-کانادایی به سرپرستی کایلریانگ در ده نجف‌آباد در نزدیکی اسدآباد همدان کشف شده و هم‌اکنون در موزه‌ی ایران باستان نگهداری می‌شود (Levine, 1972; Reade, 1995; Frame, 1999; Gopnik, 2011; Frame, 2013). سومی، نقش برجسته‌ی سارگن دوم در اورامانات شهرستان کامیاران که نخستین بار در سال ۱۳۴۷ ه.ش. در بررسی‌های باستان‌شناسی غرب کشور به سرپرستی «علی‌اکبر سرفراز» کشف گردید و در مقاله‌ای معرفی شد (سرفراز، ۱۳۴۷). پژوهش‌های بعدی را آشورشناسانی چون «گرنف فریم» و از جمله ترجمه‌ی متن سنگ‌نبشته‌ی میخی آن انجام دادند (Frame, 1999). چهارمی، نقش برجسته‌ی موسوم به اشگفت گل‌گل را نخستین بار در بررسی‌های منطقه‌ی پشتکوه به سال ۱۹۷۲ م. «لویی واندنبرگ» کشف کرد. پژوهش‌های جدی‌تر مربوط به تحلیل متن شناختی آن‌را «لویین» و «گریسون» و تحلیل‌های هنری را «جولیان رید» و «فن‌دراشپیک» انجام دادند (Grayson & Levine, 1975; Reade, 1977; Spek, 1977). آخری، نقش برجسته‌ی نویافته‌ی مشخص که طی بررسی‌های سال ۱۳۸۷ ه.ش. در جنوب شرقی استان ایلام کشف و نتایج آن منتشر شد (Alibaigi et al., 2012).

یادمان‌های نواحی شرقی امپراتوری آشور

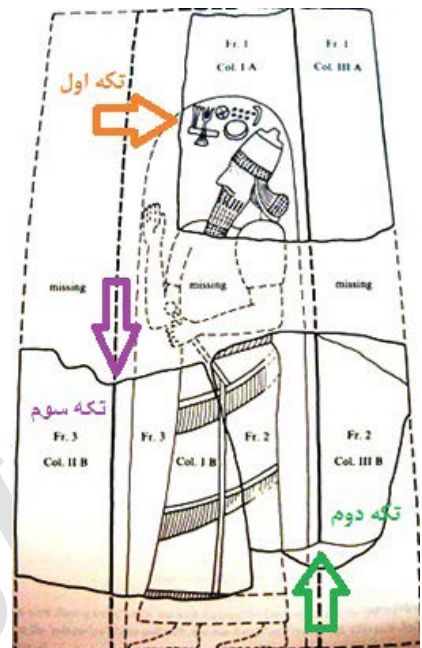
سنگ‌یادمان لرستان

سنگ‌یادمان لرستان، تنها سنگ‌یادمان شناخته شده از تیگلت پیلسر سوم است (تصویر ۱)؛ هرچند این سنگ‌یادمان اکنون در ایران امروزی نگهداری نمی‌شود، اما شرح لشکرکشی بزرگ سال ۷۳۷ ق.م. تیگلت پیلسر سوم (۷۴۴ تا ۷۲۷ ق.م.)



▲ تصویر ۱. سنگ‌یادمان لرستان (Tad-mor & Yamada, 2011: 82).

به سرزمین‌های شرقی را با جزییات بسیار در آن در می‌یابیم. این ستون سنگی یادبود بر روی سنگ آهک دولومیتی سفید مایل به خاکستری حک شده است. سنگ به چندین تکه شکسته شده و تا به امروز فقط سه تکه از آن یافت شده است (تصویر ۲). در کتیبه‌ی تکه‌ی سوم از این سنگ‌یادمان، آشکارا به نام تیگلت پیلسر، به‌عنوان کسی که به شرق قدم گشوده است، برمی‌خوریم (Tadmor, 1994: p. 105, line: 18). در سطرهای بعدی اشاره به فرمان‌های نظامی بر علیه مادها و تصرف شهرهای ایشان، به جهت نافرمانی، در نهمین سال سلطنت این شاه آشوری، شده است (Ibid: p. 105, line: 25). در ادامه، اشاره به برپایی سنگ‌یادمانی به‌عنوان نمادی از پیروزی و ستادن باج و خراج از مناطق نام‌برده، شده است (Ibid: p. 105, line: 29). همان‌طور که اشاره شد، این سنگ به چندین تکه‌ی شکسته شده و فقط سه تکه از آن یافت شده است و در کتیبه‌ی هر سه تکه، جزییاتی درج شده است که غالباً در گزارش‌های رسمی درباری آشور به آن‌ها پرداخته نشده و یا در سالنامه‌های مربوط به آن‌ها در خود آشور نیامده و بنابراین این‌ها منابع دست اولی برای بازسازی تاریخ و جغرافیای ماد به‌شمار می‌آیند.^۲



▲ تصویر ۲. طرح بازسازی شده از سنگ‌یادمان لرستان (Tadmor, 1994: 90).

تکه‌ی اول، زمانی در مالکیت شخصی «ایوب ربنو» (رب‌النوع)^۳ قرار داشت. این تکه امروزه در موزه‌ی اورشلیم نگهداری می‌شود، نخستین بار لوئیس لوین آن را در سال ۱۹۷۲ م. معرفی و منتشر کرد. این تکه مشتمل بر قسمت فوقانی و گوشه‌ی سمت راست سنگ‌یادمان است. بیشترین عرض این تکه از سنگ‌یادمان ۴۵/۵ سانتی‌متر و بیشترین ارتفاع آن ۸۱ سانتی‌متر و فرورفتگی آن برابر با ۲۶/۵ سانتی‌متر است. در این تکه، چهره‌ی پادشاه به‌صورت نیم‌رخ در جلوی سنگ در برابر نمادهای مختلف خدایان به تصویر کشیده شده و بخش عمده‌ی سنگ‌یادمان را تشکیل می‌دهد؛ این تکه، از قسمت زیرِ شانه شکسته و بخش پایین سنگ‌یادمان از بین رفته است.

چگونگی کشف دقیق این سنگ‌یادمان نامعلوم است؛ لوین عقیده دارد که این سنگ از غرب ایران، شاید لرستان به‌دست آمده باشد (Levine, 1972: 11-24; Tadmor, 1994: fig. 6, fr. 1, col. IA, col. IIIA; Tadmor & Yamada, 2011: 80).

تکه‌ی دوم از این سنگ‌یادمان را یک‌سال بعد از انتشار تکه‌ی اول، «پابلو هراو» معرفی و منتشر کرد (Herrero, 1973). این تکه، متعلق به یک مجموعه‌ی خصوصی بوده و امروزه در موزه‌ی بیت‌المقدس نگهداری می‌شود و شامل بخش تحتانیِ راست جلوی سنگ‌یادمان و لبه‌ی پایین گوشه‌ی راست سنگ است (Tadmor, 1994: fig. 6). ابعاد این تکه‌سنگ خاکستری رنگ، عبارت است از ۳۴ سانتی‌متر در بیشترین عرض، ۲۴ سانتی‌متر در کمترین عرض، ۷۹ سانتی‌متر ارتفاع و عمق ۳۶ سانتی‌متر در سمت راست؛ این تکه در غرب ایران و به‌عبارتی دقیق‌تر در ناحیه‌ی کرمانشاه کشف شده است. متأسفانه زمان و مکان دقیق این کشف را نمی‌توان با قطعیت تعیین کرد؛ اما شواهد نشان می‌دهد که این تکه‌سنگ متعلق به سنگ‌یادمان تیگلت پیلسر سوم است که پیش‌تر به‌دست لوین منتشر شده بود و می‌توان آن را مربوط به سال ۷۳۷ ق.م. دانست^۴ (Herrero, 1973: 105).

تکه‌ی سوم از سنگ‌یادمان تیگلت پیلسر سوم که در یک مجموعه‌ی خصوصی نگهداری می‌شود، نخستین بار به‌کوشش «حییم تدمر» و با اجازه‌ی مالک آن، آقای

«محبوبیان» منتشر شد؛ این تکه که به تکه‌ی دوم متصل می‌شود، سمت چپ قسمت پایینی جلو و قسمت پایینی لبه‌ی چپ سنگ‌یادمان را شامل می‌شود (Tadmor, 1994: fig.6, fr.3, col. IB, IIB). بیشترین عرض این تکه در قسمت تحتانی ۵۳ سانتی‌متر و بیشترین عرض در قسمت بالا ۳۹ سانتی‌متر و فرورفتگی آن ۳۳ سانتی‌متر است (Ibid., 1994: 91)، (تصویر ۳).

سنگ‌یادمان نجف‌آباد

دوره‌ی اوج حضور و نفوذ آشوریان در سرزمین‌های شرقی امپراتوری، ۱۶ سال پادشاهی سارگن دوم (۷۲۱ تا ۷۰۵ ق.م.) است. در میان پادشاهان آشوری، هیچ‌یک به اندازه سارگن دوم سیاست شرق را دنبال نکرده است؛ وی بیش از هفت بار (در سال‌های ۷۱۹، ۷۱۶، ۷۱۵، ۷۱۴، ۷۱۳، ۷۰۸، ۷۰۶، ۷۰۵ ق.م.) به سرزمین‌های شرقی و شمال‌شرقی آشور لشکر کشید. این لشکرکشی‌ها به قصد تسلط بر این سرزمین‌ها و نظارت بر مهم‌ترین مسیر مبادلات بازرگانی فلات ایران در آن روزگار، یعنی شاهراه خراسان بزرگ، انجام می‌گرفت (ملکزاده، ۱۳۸۲: ۴۹). در لشکرکشی ۷۱۶ ق.م. سپاهیان آشوری دژ باستانی کیشسیم^۵ را متصرف شدند و به افتخار این پیروزی، سارگن، یادبودنامه‌ای با تصویر حک شده از خویش برآورد و یادگانی در دژ مستقر ساخت و آن را مرکز ایالت تازه تأسیس آشوری کیشسیم قرارداد (Luckenbill, 1927: no. 10, 11, 56, 57; Levine, 1972: 25-63; Frame, 2013: 435-437).

بخش چهارم و آخر این کتیبه، شامل توصیف چگونگی ساخت این سنگ‌یادمان و دعای خیر و برکت برای کسانی که بدان احترام بگذارند و دشنام و نفرین برای کسانی است که بدان آسیب برسانند. سارگن چنین می‌گوید (70b-71 ii): در آن زمان، من سنگ یادبودی برپا ساختم و [حک کردم به روی آن] تصاویری از خدایان بزرگ، اربابان من، آن‌هایی که مرا به پیروزی رساندند... [من حک کردم بر روی آن] اسناد پیروزی‌های آشور را، پیروزی‌هایی که من در چهار گوشه (از جهان) به‌دست آوردم، (و) همه‌ی کارهایی که من در شهر Ki-X-X انجام دادم. [من برپا داشتم (آن را)] در شهر Ki-sa-si، که دستان (من) آن جا را تصرف کرده بودند... [..].

براساس بازخوانی دقیق‌تر کتیبه‌ی سنگ‌یادمان نجف‌آباد توسط «فریم» و «فوخس» این‌طور به‌نظر می‌رسد که Ki-sa-si در سنگ یادبود نجف‌آباد همان کیشسیم Kišesim بوده و احتمالاً سنگ‌یادمان نجف‌آباد در کیشسیم باستان برپا شده است (Gopnik, 2011: 293-295; Frame, 2013: 436-437).



► تصویر ۳. الف) تکه‌ی اول از سنگ‌یادمان تیگلت پیلسر سوم (Levine, 1927: 76)؛ ب) تکه‌ی دوم از سنگ‌یادمان تیگلت پیلسر سوم (Herraro, 1973: 113)؛ ج) تکه‌ی سوم از سنگ‌یادمان تیگلت پیلسر سوم (Tadmor, 1994: pl. XXXIII).

در ۲۲ اکتبر ماه ۱۹۶۵ م، تئودور کایلریانگ و لوئیس لویین از گروه کاوش‌های باستان‌شناسی گودین‌تپه‌ی کنگاور، طی بررسی خود در ده نجف‌آباد در نزدیکی شهر اسدآباد همدان، در ۱۵ کیلومتری شمال‌شرقی کنگاور، یادبودنامه‌ای آشوری، که سپس معلوم گشت از سارگن دوم است، برخورد کردند (ملکزاده، ۱۳۸۱: ۱۶۰)، (تصویر ۴). این سنگ از بخش پایین شکسته و ارتفاع امروزی آن ۱۶۵ سانتی‌متر است. طرح کلی آن و همچنین آخرین سطر کتیبه محفوظ مانده است. این اثر بر روی یک سنگ آهکی خاکستری رنگ تیره با رگه‌های روشن حک شده است. قسمت جلو سنگ ساییده شده و قسمت پایین نیز از بین رفته است. در این سنگ‌یادمان، سارگن دوم آشوری به‌صورت تمام‌قد در برابر نماد خدایان، به تصویر کشیده شده است. با این‌که کتیبه‌ی این اثر تاریخی به‌خوبی محفوظ نمانده، ولی آشکارا وقایع لشکرکشی ششم سارگن علیه مادها در سال ۷۱۶ ق.م. را بر تن خود ثبت و جاودانه کرده است (Levine, 1972: 25). این سنگ‌یادمان، امروزه در موزه‌ی ایران باستان در معرض دید همگان است.

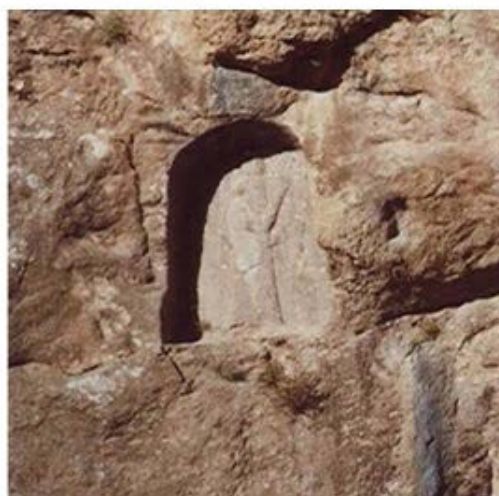


▲ تصویر ۴. سنگ‌یادمان سارگن دوم در نجف‌آباد اسدآباد همدان (Levine, 1972: 82).

نقش برجسته‌ی تنگ‌ور

در سال ۱۹۶۸ م، هیأت باستان‌شناسان ایرانی، یک نقش برجسته‌ی صخره‌ای را به‌همراه کتیبه‌ی میخی در کوه زینانه، در نزدیکی دهی به‌نام «تنگ‌ور» در ۸۵ کیلومتری شمال‌غرب کرمانشاه کشف کرد. این نقش برجسته نخستین بار توسط «علی‌اکبر سرفراز» معرفی شد (تصویر ۵).

ظاهراً آخرین لشکرکشی آشوریان به سرزمین‌های شرقی در عهد سارگن دوم، به سال ۷۰۶ ق.م. وقوع یافت. در این زمان، مردمان «کرل» دگربار استقلال خود را اعاده کرده و صاحب‌منصبانی را که سارگن بر آن‌ها گماشته بود را بیرون کردند؛ در حقیقت این سومین باری بود که مردمان کرل به مخالفت با سلطه‌س آشور برخاسته بودند. اگرچه کتیبه‌ی تنگ‌ور به‌شدت آسیب دیده، اما واضح است که این نقش برجسته مجلس‌یادبودی از لشکرکشی ۷۰۶ ق.م. آشوری‌ها علیه سرزمین کرل است که آشوری‌ها ادعای فتح آن را در سنگ‌یادمان نجف‌آباد می‌کنند (Frame, 2013: 434-445). کتیبه‌ی به خط میخی در کادری به ابعاد ۱۲۰×۱۲۰ سانتی‌متر که بین ۴۵ تا ۵۰ سطر است و در



تصویر ۵. نقش برجسته‌ی تنگ‌ور (Frame, 1999: Tab. II, III).

فواصل هر سطری خطی موازی کشیده شده، وجود دارد (Frame, 1999: 31-57). این کتیبه که از کنار دهان نقش برجسته شروع شده، قسمتی از موه‌های پشت سر پادشاه را نیز فراگرفته است و بدین ترتیب در مقابل صورت تازیر پای پادشاه و تمامی بدنه‌ی آن‌را کتیبه پوشانده و به‌علت طولانی بودن متن کتیبه، قسمتی از آخرین سطور را در کف سطح طاق نما حک کرده‌اند (سرفراز، ۱۳۴۷: ۱۷).

نقش برجسته‌ی اشکفت گل‌گل

نقش برجسته‌ی اشکفت گل‌گل را لویی واندنبرگ در بررسی‌های پشتکوه لرستان در تابستان ۱۹۷۲م. کشف کرد. این نقش برجسته در فاصله‌ی تقریبی ۸۰ متری شمال شرق روستای گل‌گل، در ۲۵ کیلومتری جنوب استان ایلام قرار دارد. این نقش برجسته، شامل تصویر پادشاه آشوری به‌همراه یک کتیبه‌ی ناقص است؛ نمادهای مختلفی خدایان آشوری در جلو و پشت سر پادشاه دیده می‌شود. تصویر پادشاه در این نقش برجسته تاحدی سالم مانده است؛ اما متأسفانه نام پادشاه و نام اجدادش در این کتیبه از بین رفته است. «فن‌دراشپک» این اثر را به آسرخدون منسوب می‌کند؛ ولی در عین حال، احتمال این که آشوربانی‌پال دستور ساخت این اثر را داده باشد، را هم رد نمی‌کند (Spek, 1977). گریسون و لوین به لشکرکشی‌های آشوربانی‌پال به عیلام اشاره کرده و سازنده‌ی این اثر یادمانی را آشوربانی‌پال می‌دانند (Grayson & Levine, 1975)، (تصویر ۶ الف).

نقش برجسته‌ی میشخاص

این نقش برجسته در ۲ کیلومتری شمال روستای حیدرآباد میشخاص و در نزدیکی سرچشمه‌ی رودخانه‌ی سراب میشخاص قرار دارد. با نگاهی کلی به این نقش برجسته، می‌توان دریافت که این نقش مشابهت‌های نزدیکی با نقش برجسته‌ی آشوری اشکفت گل‌گل دارد، با این تفاوت که این نقش برجسته فاقد کتیبه است؛ با این وجود، این احتمال که نقش برجسته، کتیبه‌ای داشته و کتیبه‌ی آن به‌طور کامل از بین رفته، وجود دارد. کلیات نمایش پیکره‌ی شاه در نقش برجسته‌ی میشخاص، از



ب



الف

► تصویر ۶. الف) نقش برجسته‌ی اشکفت گل‌گل (Grayson & Levine, 1975: 33)؛
ب) نقش برجسته‌ی حیدرآباد میشخاص (Alibaigi et al., 2012: p.39).

نقش برجسته‌ی اشکفت گل‌گل تبعیت می‌کند؛ آن چنان که به‌نظر می‌رسد، این دو نقش برجسته در یک دوره‌ی زمانی بسیار نزدیک به‌هم، به‌وسیله‌ی گروه واحدی از سنگ‌تراشان و هنرمندان حجاری شده و به یک مجموعه‌ی لشکرکشی‌ها و برنامه‌ریزی‌های یک شاه واحد آشوری در لبه‌ی غربی فلات ایران مربوط است (تصویر ۶ ب).

بازسازی الگوی مشابه برخورد آشوریان با سرزمین‌های دور و نزدیک، همچنین دیپلماسی ایشان نسبت به پادشاهی عیلام نو، نشان‌دهنده‌ی فعالیت‌های نظامی و سیاسی این امپراتوری برای تسلط بر مرزهای شمالی عیلام در کوهسارهای زاگرس است. بررسی چرایی حجاری دو نقش برجسته‌ی اشکفت گل‌گل و میش‌خاص، خود می‌باید موضوع پژوهشی مستقل باشد. ناحیه‌ای که این دو نقش برجسته (اشکفت گل‌گل و میش‌خاص) در آن یافت شده، در واقع از یک سو جنوبی‌ترین بخش‌های قلمرو الپیی^۶ و از طرفی، شمالی‌ترین بخش‌های قلمرو نفوذ فرهنگ عیلامی است. این دو نقش برجسته در زمان ساخت، در دوره‌ی فرمانروایی واپسین پادشاهان امپراتوری آشور نو متعلق به قلمرو الپیی و یا در ناحیه‌ای بسیار نزدیک به آن بوده است (دنیل پاتس، مکاتبات شخصی: ۱۳۹۵/۶/۳۱).

با این حال، می‌توان گفت که این دو نقش برجسته نشان واپسین تلاش‌های جاه‌طلبانه‌ی امپراتوری آشور برای تسلط بر سرزمین‌های پیرامونی عیلام، پیش از وارد کردن آخرین ضربه‌ی نهایی بر پیکره‌ی پادشاهی عیلام نو و نشان‌دهنده‌ی تلاش تبلیغاتی آشوری‌ها برای مطیع و منقاد نگاه داشتن نواحی تصرف شده است.

ارزیابی کیفیت هنری یادمان‌های نواحی شرقی امپراتوری آشور

سنگ یادمان لرستان: سبک و طراحی این سنگ‌یادمان متعلق به رایج‌ترین سبک هنری امپراتوری آشور است. در این سبک تصویر پادشاه به‌صورت نیم‌رخ و تمام‌قد در قسمت جلو سنگ به تصویر کشیده شده و بخش عمده‌ی سنگ‌یادمان را تشکیل می‌دهد؛ اگرچه ویژگی‌های چهره ساییده شده و از بین رفته، ولی الباقی سر به‌خوبی محفوظ مانده است. تصویر پادشاه، از بخش پایین‌شانه شکسته است. شاه، تاج مخروطی بلندی بر سر دارد که نمونه‌ای از همه‌ی تصاویر سلطنتی یادبودهای این دسته است؛ متأسفانه تزیینات روی کلاه شاه به‌علت ساییدگی مشخص نیست؛ از قسمت زیرین تاج و یا متصل به آن، روبانی آویزان بوده که شانه‌ی چپ پادشاه را مزین کرده است. متأسفانه گوش پادشاه بر اثر گذر زمان محو شده و امکان تشخیص این که آیا پادشاه گوشواره داشته و یا نه، امکان‌پذیر نیست. ریش پادشاه به‌شکل چهارگوش است. موی پادشاه به سبک رایج آن دوره شکل داده شده و با ردیفی مجدد از موها که از شانه به‌سمت پایین آویزان است، به نمایش درآمده است. فرم و شکل کلاه و همچنین مدل ریش و موی پادشاه در این سنگ‌یادمان قابل‌مقایسه با دو نقش برجسته از کاخ مرکزی وی در نمرود است. در نقش برجسته‌ی اول، پادشاه آشوری سوار بر ارابه در صحنه‌ی جنگ به تصویر کشیده شده و نقش برجسته‌ی دوم، صورت و بالاتنه‌ی پادشاه را نشان می‌دهد (تصویر ۷). در همه‌ی موارد، صورت و پیکره‌ی شاه به‌صورت نیم‌رخ است. لباس شاه متشکل از یک پیراهن بلند با حاشیه‌ی مورب است که تا مچ پا می‌رسد و همان لباس



▲ تصویر ۷. الف) تیگلت پیلسر سوم سوار بر ارابه، نقش برجسته از کاخ مرکزی نمرود، دوره‌ی امپراتوری آشور نو، بلندی ۱۹۰ سانتی‌متر، پهنا ۱۹۵ سانتی‌متر، موزه‌ی بریتانیا، لندن (Tadmor & Yamada, 2011: 55)؛ ب) جزئیات نقش برجسته‌ی تیگلت پیلسر سوم از کاخ مرکزی نمرود (Reade, 1994: 34)؛ ج) تصویری از تیگلت پیلسر سوم از کاخ وی در نمرود (Tadmor & Yamada, 2011: 74).

کلاسیک دوره‌ی آشور نو است. سمبل خدایان هفت‌گانه در دو ردیف در جلو و بالای کلاه پادشاه حک شده است؛ در ردیف بالا از چپ به راست، نیشک نبو^۷، چنگال آذرخش آدد^۸، ستاره عشتار^۹، هفت گوی سیبیتی^{۱۰} و عصای چوپان که شاید متعلق به خدای آشور^{۱۱} باشد، دیده می‌شود. در ردیف پایین قرص بال‌دار خورشید (نمایانگر خدای شمش)^{۱۲} و هلال و قرص کامل ماه (نمایانگر خدای سین)^{۱۳} قرار دارد (Levine, 1972: 12).

یکی از ویژگی‌های غیرمعمول این سنگ‌یادمان، حاشیه‌ی بلندی در بالای هیكل پادشاه است. این سنگ از نظر فن‌شناسی ساخت، سبک هنری و ویژگی‌های ظاهری قابل‌مقایسه با دیگر آثار به‌دست آمده از دوره‌ی آشور نو، از جمله سنگ‌یادمان سارگن دوم در نجف‌آباد و لارناکا^{۱۴} (Radner, 2010: 429-449)، سنگ‌یادمان آسرخدون در زینجیرلی^{۱۵} ترکیه (Leichty, 2011: 181-186)، سنگ‌یادمان آشورناصرپال در کلخو (Hall, 1928: 34)، سنگ‌یادمان شلمناصر سوم در دیاربکر ترکیه و سنگ‌یادمان آدد-نیراری سوم در معبدی در تل‌الرماح^{۱۶} (Frame, 2006: 64) است، که همگی از ویژگی‌های یکسان سنگ‌یادمان‌های سلطنتی ساخته شده در دوره‌ی آشور نو برخوردارند و تنها تفاوتی که میان سنگ‌یادمان تیگلت‌پیلسر با دیگر سنگ‌یادمان‌ها وجود دارد، این است که این سنگ برخلاف دیگر آثار ذکر شده که همگی دارای حاشیه‌ی گرد در قسمت فوقانی هستند، تقریباً مانند یک جعبه‌ی مستطیل شکل است که نقوش در آن حک شده است (تصویر ۸).



► تصویر ۸. الف) سنگ‌یادمان تیگلت‌پیلسر سوم (Tadmor & Yamada, 2011: 82)؛ ب) سنگ‌یادمان سارگن دوم در نجف‌آباد (Frame, 2013: 442)؛ پ) سنگ‌یادمان سارگن دوم در قبرس (Radner, 2010: 430)؛ ت) سنگ‌یادمان آسرخدون در زینجیرلی (Leichty, 2011: 183)؛ ث) سنگ‌یادمان آشورناصرپال دوم کلخو (Hall, 1928: pl. XIII)؛ ج) سنگ‌یادمان شمش‌آدد-پنجم در کلخو (www.brit-ishmuseum.org)؛ چ) سنگ‌یادمان آدد-نیراری سوم از تل‌الرماح (Curtis & Reade, 1995: 59).



سنگ یادمان نجف‌آباد: این اثر تاریخی متعلق به گروه آثار تاریخی سلطنتی و شاهانه، همانند اثر یادمانی تیگلت پیلسر سوم است. در این سنگ یادمان، پادشاه آشوری به صورت تمام قد در برابر نماد خدایان آشوری، به تصویر کشیده شده است؛ صورت پادشاه به سمت چپ بوده و ویژگی‌های چهره باگذشت زمان و در اثر سایش محو شده است و نمی‌توان در مورد آن چندان سخنی گفت.

این سنگ یادمان از نظر سبک ساخت و تزیینات، قابل مقایسه با سنگ یادمان سارگن دوم در قبرس است که به سنگ یادمان لارناکا شهرت دارد (تصویر ۹). هر دو سنگ، دارای سر هلالی و گرد بوده و در هر دو، پادشاه در برابر نماد خدایان آشوری به تصویر کشیده شده است. پادشاه با کلاه مخروطی بلندی که در قسمت فوقانی آن، زائده‌ی مثلثی شکل نسبتاً بلندی وجود دارد، نشان داده شده که این نوع کلاه، کلاه رایج سلطنتی در دوره‌ی آشور نو بوده است؛ این کلاه متشکل از سه ردیف تکه‌دوزی است. می‌توان این‌طور تصور کرد که این ردیف‌ها با نقش گلک (گل‌های روزت) تزیین شده بوده، ولی شرایط حفظ و نگهداری سنگ یادمان به گونه‌ای نیست که اجازه‌ی توضیح بیشتری در این باره بدهد. این کلاه، قابل مقایسه با کلاه سارگن دوم در سنگ یادمان لارناکا و همچنین قابل مقایسه با دو نقش برجسته از این پادشاه در بین نقوش برجسته خراباباد است (تصویر ۱۰). از قسمت پایین کلاه، از میان موهای پادشاه بر روی شانه‌ی چپ وی، دو روبان آویزان شده که قابل مقایسه با روبان پادشاه در سنگ یادمان لارناکا و نقش برجسته‌ی تنگور و نقش برجسته‌ی اول از خراباباد است. در نقش برجسته‌ی دوم سارگن نیز به احتمال زیاد روبانی وجود داشته که بر اثر سایش از بین رفته است. موی سر پادشاه تا پشت گردن، تقریباً صاف و در انتها، دسته‌ی موی مجعد و تاب‌خورده به‌طور افقی روی شانه و کتف او قرار می‌گیرد. ریش پادشاه به شدت ساییده شده و طرح آن بسیار زبر و خشن بوده و مدل آن سبک رایج مربع در دوران آشور است. مدل مو و ریش سارگن دوم در سنگ یادمان لارناکا و نقوش برجسته‌ی خراباباد (شماره‌ی اول و دوم) به همین سبک و شکل است. لباس پادشاه، لباس آستین کوتاه‌ی است که بر روی آن ردای بلند چین‌دار ظریف و حاشیه‌داری پوشیده که این ردا شانه‌ی چپ پادشاه را پوشانده است؛ سارگن دوم در سنگ یادمان لارناکا و نقوش برجسته‌ی خراباباد نیز این چین لباسی بر تن دارد. چنین به نظر می‌رسد که پادشاه در هر دو دستش، دست‌بندی تزیینی داشته باشد، ولی متأسفانه بر اثر ساییدگی، تزیینات روی دست‌بندها مشخص نیست. در نقوش خراباباد، در



ب



الف

▲ تصویر ۹. الف) سنگ یادمان سارگن دوم در نجف‌آباد اسدآباد همدان (Levine, 1972: 82)؛ ب) سنگ یادمان لارناکا (Radner, 2010: 430).



ب



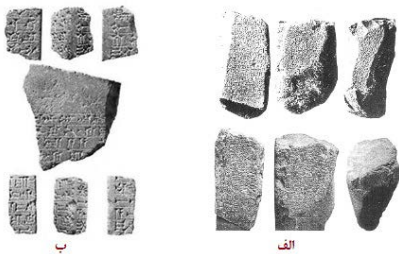
الف

تصویر ۱۰. الف) نقش برجسته‌ی اول، شاه به همراه وزیر، سنگ مرمر، کاخ سارگن دوم در خراباباد بلندی ۲/۹۸ متر، موزه‌ی لوور پاریس (Hall, 1928: 85)؛ ب) نقش برجسته‌ی دوم، شاه سوار بر ارابه، کاخ سارگن دوم در خراباباد، بلندی ۲/۸۱ متر، موزه‌ی شرق‌شناسی شیکاگو (Oi, uchicago.edu).

هر دو دست پادشاه دست‌بندی وجود دارد که با گُلک (گل‌های روزت) تزیین شده است. این احتمال وجود دارد که دست‌بند شاه در سنگ‌یادمان نجف‌آباد نیز مزین به همین نقش بوده که در اثر گذشت زمان و سایش، از بین رفته است. در سنگ‌یادمان لارناکا اثری از دست‌بند پادشاه دیده نمی‌شود و یا شاید در اثر زمان از بین رفته است. در سنگ‌یادمان نجف‌آباد، شاه همانند دیگر آثار ساخته شده از این گروه، در دست چپش گرز (عضای سلطنتی) یا چماقی را گرفته و دست راستش را به نشانه‌ی نیایش و یا پرستش بلند کرده است. در مقابل صورت پادشاه نماد چندین خدا دیده می‌شود که شامل هلال ماه (نمایانگر خدای سین)، قرص بال‌دار خورشید (نمایانگر خدای شمش) و تاج شاخ‌دار (احتمالاً نمایانگر آشور، فرمانروای ایزدستان آشوری)، است؛ علاوه بر این‌ها، مجموعه‌ای نشانه‌های فرعی و اضافی دیده می‌شود که تشخیص هویت این خدایان غیرممکن می‌نماید (Levine, 1972: 25-27). در سنگ‌یادمان لارناکا نیز، همانند سنگ‌یادمان نجف‌آباد، شاه دست راست خود را به نشانه‌ی نیایش در برابر نماد خدایان آشوری بلند کرده، با این تفاوت در این سنگ، علاوه بر نماد خدایان نشان داده شده در سنگ‌یادمان نجف‌آباد، چندین نماد دیگر از جمله: ستاره‌ی عشتار، چنگال آذرخش آد، بیل مردوک ارباب بابل، نیشک نبو، هفت گوی سیبیتی وجود دارد (Radner, 2010). این چنین آثار یادمانی از سارگن دوم در نقاط گوناگونی خارج از مرزهای امپراتوری به دست آمده است: تل‌آشرنه^{۱۷} (Frame, 2006: 49-51) در مسیر نهرالعاصی^{۱۸}، آشدود^{۱۹} (Kapera, 1976) در فلسطین (تصویر ۱۱)، تل‌بارسیب^{۲۰} در فرات علیا در نزدیکی مرز ترکیه و تکه‌هایی از سنگ‌یادمانی که احتمال می‌رود منصوب به سارگن دوم باشد در سمریه^{۲۱} و کرکمیش^{۲۲} (Frame, 2006: 53) شهری باستانی بر کرانه‌ی غربی فرات کشف شده است (Frame, 2013: 433).

نقش برجسته‌ی تنگ‌ور: این نقش برجسته همانند سنگ‌یادمان نجف‌آباد، پادشاهی را به‌حالت ایستاده نشان می‌دهد که دست راستش را بلند کرده و با دست چپش شیئی را نگاه داشته است. لباس وی متشکل از لباس بلندی است که دامن آن تا پایین می‌رسد و بر روی آن شنلی پوشیده که چین آن تا زانوی پا آویزان شده و قسمتی از شنل در پشت سر آویزان است و دارای نواری است که از حلقه‌های گذشته است. برخلاف دیگر آثار یادمانی مربوط به سارگن دوم که دارای سبک شاهانه هستند و در مجموع شباهت‌های بسیاری با یکدیگر دارند، نقش برجسته‌ی تنگ‌ور، مکتبی دیگر را نمایش می‌دهد. این نقش برجسته از نظر ظرافت و دقت با هیچ‌یک از نقوش آشوری چه ایران و چه در سایر مناطق، قابل‌مقایسه نیست؛ به‌نظر می‌رسد که این نقش از سبک محلی پیروی می‌کند؛ سبک محلی از سبک شاهانه تقلید می‌کند و هنرمندان در ساخت اثر تبحر کافی نداشته و حرفه‌ای نیستند. می‌توان گفت که هنرمندان سبک محلی، قادر به تقلید عین به عین سبک شاهانه نیستند و آثاری که بر دست آنان خلق می‌شود، تقلیدی درجه دو از سبک شاهانه است. سطح نسبتاً پایین و خشونت نقوش در نقش برجسته‌ی تنگ‌ور نشان‌دهنده‌ی آن است که در این‌جا با یک اثر استاندارد شاهانه مواجهه نیستیم. کیفیت نازل و پایین‌حجاری‌ها در نقش برجسته‌ی تنگ‌ور حکایت از اهمیت ثانویه این اثر یادمانی دارد.

نقش برجسته‌ی اشکفت گل‌گل: نقش برجسته‌ی اشکفت گل‌گل از نوع نقوشی است که قسمت بالایی آن‌ها به‌صورت طاق هلالی بوده و شامل تصویر پادشاه آشوری،



▲ تصویر ۱۱. الف) تکه‌های سنگ‌یادمان سارگن دوم، کشف شده از تل‌آشرنه (Frame, 2006: 50)؛ ب) تکه‌های سنگ‌یادمان سارگن دوم، کشف شده از آشدود (www.ucl.ac.uk).

نمادهای مختلف و کتیبه‌ای است که همگی آسیب دیده‌اند (Reade, 1977: 33). در این نقش برجسته، پادشاه به صورت ایستاده و صورت وی به سمت چپ است؛ وی کلاه ساده‌ای به سر دارد که تا بالای گوش‌هایش را دربر گرفته است. این کلاه قابل مقایسه با کلاه آسرخدون در سنگ‌یادمان زینجیرلی در ترکیه، نقش برجسته‌ی نهرالکلب^{۳۳} (Weissbach, 1922, 22-30) در لبنان، نقشی از آسرخدون به همراه ملکه‌ی مادر (نقیه) بر روی یک قطعه‌ی برنزی در موزه‌ی لوور (Parrot & Nougayrol, 1956: 147-160; Parrot & Thureau-Dangin, 1929: 184-205) است (تصویر ۱۲)؛ همچنین قابل مقایسه با کلاه آشوریانی پال در نقش برجسته‌ی شماره‌ی ۱ و ۲ از کاخ شمالی نینوا است (Barnet, 1976)، (تصویر ۱۳)؛ با این تفاوت که کلاه آشوریانی پال مُزین به گلک (گل‌های روزت) است، درحالی که کلاه شاه در نقش برجسته‌ی اشکفت گل‌گل فاقد این تزیین بوده و شاید دارای تزییناتی بوده که در اثر گذر زمان و همچنین عوامل طبیعی از بین رفته است. متأسفانه ریش پادشاه در نقش برجسته‌ی اشکفت گل‌گل بر اثر گذشت زمان ساییده شده و از بین رفته است و جزئیات آن قابل مشاهده نیست. ویژگی‌های صورت، چشم، گوش، دهان و سیبیل دارای برجستگی کمتری است و با شکاف و ججاری بسیار ساده‌ای ایجاد شده است. پادشاه لباس بلند و ساده‌ای بر تن دارد و دانستن این مطلب که آیا



ب



ب



الف



ج



ث



ت

تصویر ۱۲. الف) نقش برجسته‌ی اشکفت گل‌گل (Grayson & Levine, 1975: 33)؛ ب) سنگ‌یادمان آسرخدون از زینجیرلی (Leichty, 2011: 183)؛ پ) نقش برجسته‌ی آسرخدون در نهرالکلب (Weissbach, 1922)؛ ت) تصویر طرح بازسازی شده‌ی نقش برجسته‌ی آسرخدون از نهرالکلب از الکس پک (www.Factum-arte.com)؛ ث) قطعه‌ی برنزی از آسرخدون به همراه ملکه مادر (Parrot & Nougayrol, 1956: Pl. VI)؛ ج) سنگ‌یادمان آسرخدون از تل بارسیب (Thureau-Dangin, 1929: Pl. XXX-VI).

◀ (VI)

این لباس دارای تزییناتی بوده یا نه، به دلیل آسیب‌هایی که بدان وارد شده، غیرممکن می‌نماید. ویژگی‌های صورت و لباس پادشاه در نقش برجسته‌ی اشکفت گل‌گل و نحوه‌ی ایستادن و این‌که دست راستش را به نشانه‌ی نیایش بالا برده و یا شاید شیئی را در دست گرفته و با دست چپ سر گرز را چنگ زده^{۳۴} باشد، همگی قابل مقایسه با دیگر آثار یادمانی به‌دست آمده از آسرحدون است که در بالا بدان اشاره شد.

ویژگی‌های صورت و نوع مدل لباس، بدون در نظر گرفتن تزیینات، قابل مقایسه با نقش برجسته‌ی شماره‌ی ۳ آشوربانی‌پال از کاخ شمالی نینوا است (تصویر ۱۴). بحث درباره‌ی سازنده‌ی این اثر به نتیجه‌ی قطعی نرسیده و امید است پژوهش‌های بعدی، از ابهامات این اثر تاریخی پرده بردارد.

نقش برجسته‌ی مشخص: در این نقش برجسته، پادشاه به‌صورت تمام قد، روبه سمت چپ به‌همراه نمادهای مختلفی از خدایان آشوری، چون تاج شاخ‌دار (نمایانگر خدای آشور)، قرص بال‌دار خورشید (نمایانگر خدای شمش) در روبه‌روی صورت و نمادهایی چون: ستاره‌ی هشت‌پر (نماد عشتار)، ماه (نمایانگر خدای سین) و گوی‌های هفت‌گانه در پشت سر شاه، به‌تصویر کشیده شده است. شاه ملبس به ردایی بلندی است که تا قوزک پا می‌رسد؛ ظاهراً در دست راستش شیئی را گرفته و تا روبه‌روی صورتش بالا آورده است و با دست چپ بر سر گرز چنگ زده است (شنبه‌زاده و علی‌پیگی، ۱۳۸۹: ۹۳). نمایش کلیات پیکره‌ی پادشاه، قابل مقایسه با: نقش برجسته اشکفت گل‌گل، نقش آسرحدون در نهرالکلب، سنگ‌یادمان زینجیرلی در ترکیه، سنگ‌یادمان تل بارسیب در

► تصویر ۱۳. الف) نقش برجسته‌ی شماره‌ی ۱، آشوربانی‌پال سوار بر ارابه در حالت بازدید از غنایم جنگی گرفته شده از بابلی‌ها، قسمتی از نقش برجسته‌ی کاخ شمالی آشوربانی‌پال در نینوا (Barnet, 1976: Pl. XXXV); ب) نقش برجسته‌ی شماره‌ی ۲، آشوربانی‌پال سوار بر ارابه در حال کشتن شیر با نیزه، نقش برجسته از کاخ شمالی آشوربانی‌پال در نینوا (Bar-net, 1976: Pl. XI).



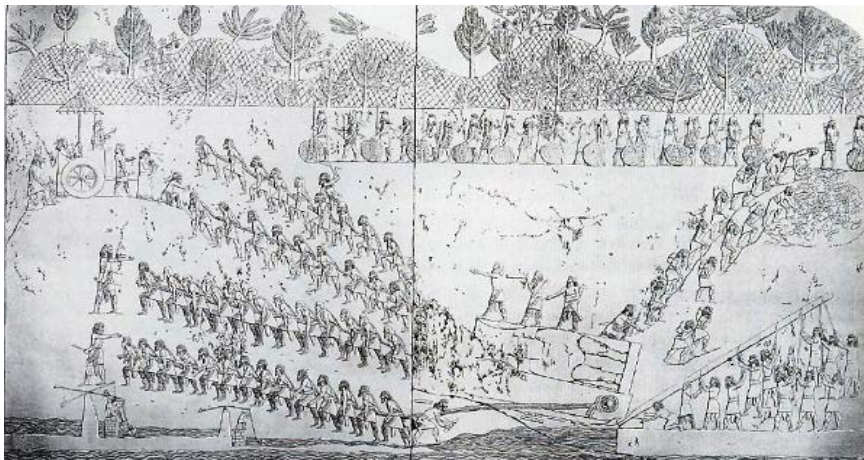
ب



الف



► تصویر ۱۴. نقش برجسته‌ی شماره‌ی ۳، صحنه‌ی شکار شیر، نقش برجسته از کاخ شمالی آشوربانی‌پال در نینوا (Barnet, 1976: Pl. LIX).



تصویر ۱۵. طرحی از لایارد که جزئیات حمل و جابه‌جایی مجسمه‌ی عظیم الجثه‌ی لاماسو توسط کارگران و بردگان را در نقش برجسته‌ای از کاخ جنوب‌غربی سنآخریب در نینوا نشان می‌دهد (Curtis & Reade, 1995: 41).

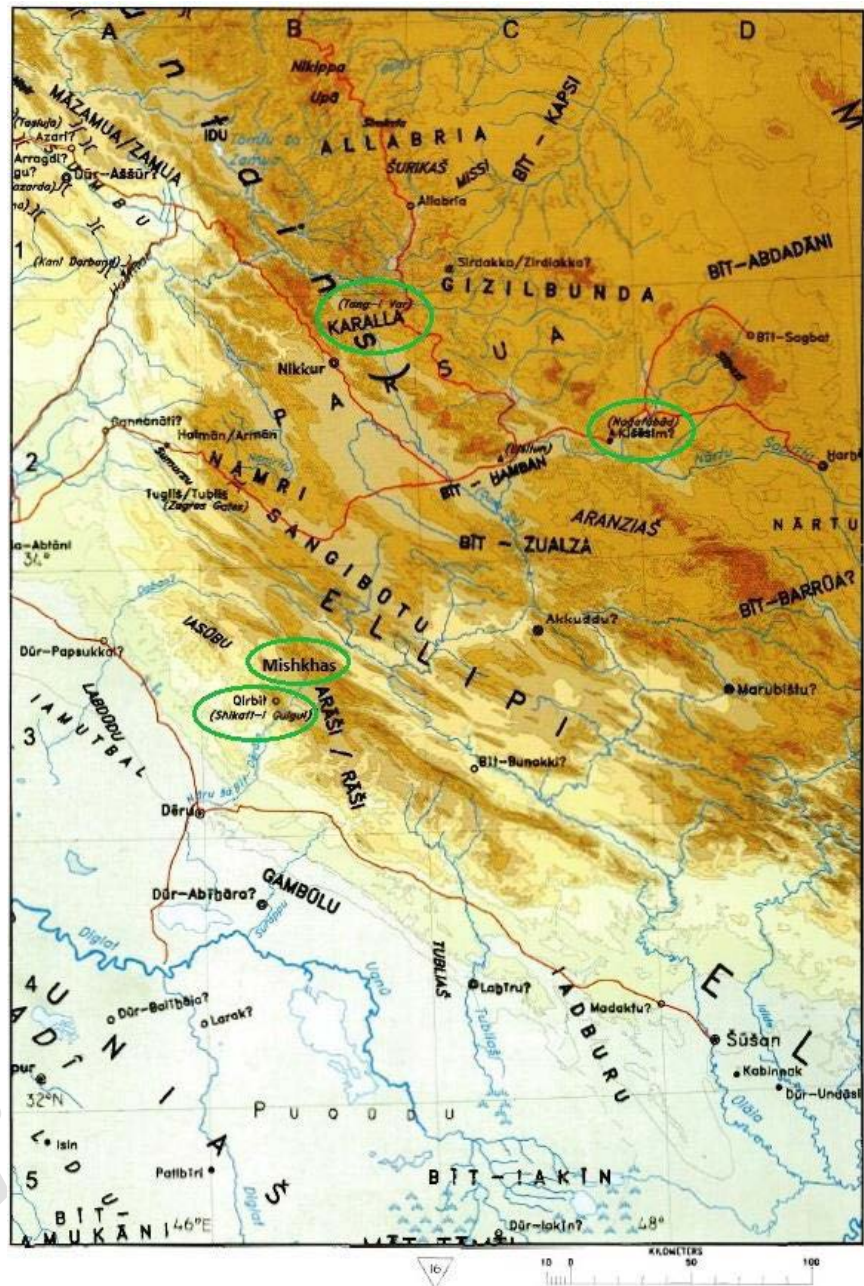
سوریه و قطعه‌ی برنزی متعلق به آسرحدون در موزه‌ی لوور است؛ همچنین شباهت‌هایی نیز در فرم کلاه، مو و ریش پادشاه با نقوش برجسته‌ی آشوربانی‌پال که در بالا بدان‌ها اشاره شد، دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

در مقاله‌ی حاضر، ۵ اثر یادمانی دوره‌ی آشور نو که یا در دل کوه نقش بسته و یا از طریق پژوهش‌های علمی و یک مورد غیرعلمی از مرزهای شرقی امپراتوری یافت شده است، بررسی شد (جدول ۱؛ نقشه ۱). این ۵ اثر یادمانی، از نگاه سطح هنری، ابتدا با یکدیگر برابر نیستند؛ چنان‌که نظر می‌رسد که لشکرکشی سال ۷۳۷ ق.م. تیگلت پیلسر سوم، سال برپایی سنگ‌یادمان مورد اشاره‌ی ما و سال ۷۱۶ ق.م. سال لشکرکشی سارگن دوم به سرزمین‌های شرقی و سال برپایی سنگ‌یادمان نجف‌آباد، در افق جغرافیایی کشورگشایی آشوریان اهمیت بسیار داشته است. به همین دلیل، ما در این جا با دو «سبک شاهانه» با بالاترین معیارهای هنری روزگار خود مواجهه‌ایم. «سبک شاهانه» عبارت است از طراحی و اجرای یک اثر هنری در بالاترین استانداردهای آن مکتب هنری و با رعایت تمامی ظرایف نگارشناختی (Iconography) یک مجموعه‌ی هنری شاخص از یک دوره‌ی فرهنگی.

جدول ۱. مشخصات یادمان‌های آشوری در سرزمین‌های شرقی امپراتوری نگارندگان، ۱۳۹۵.

ردیف	نام و نوع اثر	صاحب اثر	نوع صحنه	سنگ‌نیشته	موضوع	نمادهای مذهبی	مکان یافت شده	دلیل ایجاد اثر یادمانی	نمونه‌های قابل قیاس
۱	سنگ‌یادمان لرستان	تیگلت پیلسر سوم (۷۴۵ تا ۷۲۷ ق.م)	شاه در حالت ایستاده در برابر نماد خدایان	دارد	شرح پیروزی	نیشک نیو، چنگال آذرخش آذ، ستارهٔ آشتار، هفت گوی سیبیتی، عصای چوپان متعلق به خدای آمورو، قرص بالدار (نماد شمش) و هلال ماه (نماد سین)	احتمالاً لرستان و کرمانشاه	لشکرکشی سال ۷۲۷ ق.م به شرقی آشور	نقوش برجسته از تیگلت پیلسر سوم از کاخ نمرد (Tadmor, 1994; Tadmor & Yamada, 2011)
۲	سنگ‌یادمان نجف‌آباد	سارگن دوم (۷۲۱ تا ۷۰۵ ق.م)	شاه در حالت ایستاده در برابر نماد خدایان	دارد	شرح پیروزی	هلال ماه (نماد سین)، حلقه بالدار (نماد شمش)، تاج شادخار (نماد انماگر خدای آشور)	۱۵ کیلومتری شمال‌شرق کنگاور در دو نض‌آباد در وادی اسداباد	لشکرکشی سال ۷۱۶ ق.م به ماد	سنگ‌یادمان لارباکا (Frame, 2006; Radner, 2010)؛ نقوش برجسته سارگن در کاخ خُصایاد (Hall, 1928)؛ نقوش برجسته کنگاور (Frame, 1999, 2013)
۳	نقش برجسته کنگاور	سارگن دوم (۷۲۱ تا ۷۰۵ ق.م)	شاه در حالت ایستاده در برابر نماد چندین نماد	دارد	شرح پیروزی	چندین نماد وجود دارد که اثر گذر زمان آسیب دیده‌اند	۸۵ کیلومتری غرب کرمانشاه در نزدیکی دو کنگاور	لشکرکشی ۷۰۶ ق.م آشوری‌ها علیه سرزمین کُزَل	سنگ‌یادمان نجف‌آباد (Levine, 1972; Reade, 1995; Frame, 1999; Gopnik, 2011; Frame, 2013)
۴	نقش برجسته اشکفت کل کل	آسرحدون (۶۸۰ تا ۶۶۹ ق.م) یا آشوربانی‌پال (۶۶۸ تا ۶۲۷ ق.م)	شاه در حالت ایستاده در برابر نماد خدایان در جلو و پشت سر	دارد	ستایش خدایان و شرح پیروزی که بسیار آسیب دیده است	حلقه بالدار (نماد شمش)، تاج شادخار، هلال ماه (نماد سین)، تعدادی گوی و شاید ستاره هشت پُر (نماد عشتار) که آسیب دیده و از بین رفته است	۲۵ کیلومتری جنوب استان ایلام	نامشخص	نقش برجسته کنگاور (Weissbach, 1922)؛ نقوش برجسته تل بارسیب در سوریه (Thureau-Dangin, 1929)؛ پلاک برنزی از آسرحدون در موزه لوور (Parrot & Nougayrol, 1956; Parpola & Watanabe, 1988)؛ سنگ‌یادمان زینجیری (Leichty, 2011)؛ نقوش برجسته مرشخاخص (Alibagai et al., 2012)؛ نقوش برجسته‌های آشوربانی‌پال از کاخ نینوا (Albenda, 1974; Barnet, 1976)
۵	نقش برجسته میشخاخص	آسرحدون (۶۸۰ تا ۶۶۹ ق.م) یا آشوربانی‌پال (۶۶۸ تا ۶۲۷ ق.م)	شاه در به همراه نماد خدایان در جلو و پشت سر	ندارد (شاید از بین رفته باشد)	شاه در حالت ایستاده در برابر نماد خدایان	تاج شادخار (نماد انماگر خدای آشور)، حلقه بالدار (نماد شمش)، ستارهٔ عشتار، هفت گوی سیبیتی، هلال ماه (نماد سین) و ستاره هشت پُر (نماد عشتار)	۳۲ کیلومتری جنوب شهر ایلام	نامشخص	نقش برجسته اشکفت کل کل (Grayson & Levine, 1975)؛ نقوش برجسته تل بارسیب در سوریه (Thureau-Dangin, 1929)؛ پلاک برنزی از آسرحدون در موزه لوور (Parrot & Nougayrol, 1956; Parpola & Watanabe, 1988)



نقشه ۱. نقشه‌ی مکان‌یابی یادبودنامه‌های آشوری در مرزهای شرقی امپراتوری (Parpola & Porter, 2001): با تغییراتی از نگارندگان.

سنگ‌یادمان لرستان تیگلت پیلسر سوم، دارای سبک شاهانه‌ی روزگار آن شهریار آشوری است در اوج ظرافت هنری. چنین به نظر می‌رسد که برای برپا ساختن این سنگ‌یادمان، از بهترین و بالاترین استانداردهای آن دوره بهره برده‌اند. با توجه به این که تیگلت پیلسر سوم کلا دو لشکر کشتی بزرگ به شرق داشته، ظرافت هنری این سنگ‌یادمان نشان‌دهنده‌ی اهمیت بیش از اندازه‌ی نواحی گشوده شده در افق نگاه کشورگشایانه‌ی آن پادشاه آشوری است. سنگ‌یادمان نجف‌آباد سارگن نیز به‌رمند از معیارهای بالا و برجسته‌ی هنری روزگار خود است. سنگ‌یادمان‌های بسیاری از سارگن دوم به‌دست آمده است که سنگ‌یادمان نجف‌آباد در آن میان مقام برجسته‌ای دارد. این نشان‌دهنده‌ی آن است که از نظر سارگن و دستگاه دیوان‌سالاری او محل برپایی سنگ‌یادمان ارزش‌اداری، سیاسی و نظامی بسیاری

داشته است.

دو نقش برجسته‌ی اشکفت گل‌گل و میش‌خاص، اما از انگیزه‌ها و دغدغه‌های دیگر حکایت دارد؛ نشان واپسین تلاش‌های جاه‌طلبانه‌ی امپراتوری آشور برای تسلط بر سرزمین‌های پیرامونی عیلام. اشکفت گل‌گل بیانیه‌ای سلطنتی است که گویا تلاش چندانی برای هرچه باشکوه‌تر شدن آن، نشده است و میش‌خاص، شاید فقط و فقط به‌قصد یک نشان‌گذاری بصری بی‌هیچ متنی که آن‌را همراهی کند، برپا گردیده است. این دو، هرگز از صلابت‌های موجود در دو اثر مقدم بر خود، یعنی سنگ‌یادمان لرستان تیگلت‌پیلسر سوم و نجف‌آباد سارگن برخوردار نیستند؛ به‌روشنی نمایانگر ته‌مانده‌های توان هنری و نظامی آشوریان برای چیرگی بر این نواحی جغرافیایی است.

اما سطح نسبتاً پایین و خشونت نقوش در نقش برجسته‌ی تنگور، نشان‌دهنده‌ی آن است که در این‌جا با یک اثر استاندارد شاهانه مواجهه نیستیم. نقش برجسته‌ی تنگور با معیارهای نازل هنری خویش، نشان‌دهنده‌ی کم‌اهمیتی نسبی موضوعی است که روایت می‌کند: غلبه بر شاهک‌نشین کوچک و حاشیه‌ای کرل. کیفیت نازل و پایین حجاری‌ها در نقش برجسته‌ی تنگور، حکایت از اهمیت ثانویه‌ی این اثر یادمانی دارد. این نقش برجسته، از نظر ظرافت و دقت با هیچ‌یک از نقوش آشوری چه ایران و چه در سایر مناطق، قابل‌مقایسه نیست. می‌توان این‌گونه تصور کرد که توسط هنرمندان بومی و درجه‌ی دو که تبحر و مهارت چندانی نداشته‌اند، ساخته شده است. این هنرمندان سعی در تقلید از سبک شاهانه دارند، اما چون قادر به تقلید عین به عین سبک شاهانه نیستند، آثاری که بر دست آنان خلق می‌شود، تقلیدی درجه دو از سبک شاهانه است. به‌طور کلی و براساس مطالعه و بررسی یادمان‌های آشوری در ایران و مقایسه و سنجش با نمونه‌های مشابه آشوری، می‌توان ویژگی‌ها، تفاوت‌ها و شباهت‌های این آثار را به‌صورت زیر تحلیل نمود:

الف) سنگ‌یادمان‌ها: امپراتوری آشور در شمال میان‌رودان بنیانگذار نوع جدیدی از پدید آوردن سنگ‌یادمان‌ها به‌عنوان یک عنصر فرهنگی بوده است. در این دوره، بیشترین و مهم‌ترین سنگ‌یادمان‌ها ساخته شده است. قاب‌بندی سنگ‌یادمان‌ها یکسان است؛ در پیش‌زمینه‌ی سنگ‌یادمان‌های ایستاده‌ی منفرد، یک حالت تاقچه‌ای وجود داشته و در سنت تراشیدن آن‌ها پدید آمدن قوس بالای سنگ دیده می‌شود؛ این سنگ‌ها از نظر نگاره‌شناختی، شکل نمایش چهره، کلاه، لباس بلند، حالت ایستاده‌ی پادشاه در برابر نمادهای مذهبی و دستی که برای نیایش جلو صورت گرفته شده، همگی از یک مکتب هنری پیروی می‌کنند و تنها تفاوت‌هایی در جزئیات دارند. سنگ‌یادمان، واژه‌ای است که ترجیحاً در برابر عبارت یونانی «استل» (Stele) به‌کار برده می‌شود. برخلاف بسیاری از مواد فرهنگی دوره‌ی آشور نو که نام آن‌ها توسط کتیبه‌ها به ما رسیده است، نام آشوری این تک‌سنگ‌ها یا استل‌ها را نمی‌دانیم و در متون باقی‌مانده‌ی آشوری چیزی در این‌باره یافت نمی‌شود.

این سنگ‌یادمان‌ها، دارای حاشیه‌ی گرد در قسمت فوقانی هستند، به‌استثنای سنگ‌یادمان تیگلت‌پیلسر سوم که برخلاف دیگر آثار ذکر شده از این نوع، تقریباً مانند یک جعبه‌ی مستطیل‌شکل است که نقوش در آن حک شده است. در همگی سنگ‌یادمان‌ها، پادشاه آشوری به‌صورت تمام‌قد در برابر نماد خدایان آشوری به تصویر کشیده شده است. در برخی صورت پادشاه به‌سمت چپ و در برخی به‌سمت راست

است و نماد خدایان در همگی موارد یکسان نیست. در تمام سنگ‌یادمان‌ها، پادشاه دست راستش را به نشانه‌ی نیایش و تعظیم بالا برده و در دست چپش شیئی همانند گرز (عصای سلطنتی) دارد.

قریب به اکثر این سنگ‌یادمان‌ها دارای کتیبه است. کتیبه‌ها، اکثراً از اصول خاصی پیروی می‌کنند؛ با دعا و نیایش برای خدایان مختلف و القاب پادشاه آغاز می‌شود؛ در ادامه به خلاصه‌ای از شرح لشکرکشی به سرزمین‌های مورد نظر و اقدامات انجام شده از قبیل فتح، تصرف، کشتار مردمان، گرفتن اسیر و ستاندن باج و خراج از مناطق مفتوحه اشاره می‌شود؛ و قسمت آخر کتیبه، شامل دعای خیر برای افرادی است که به این آثار احترام بگذارند و نفرین و لعنت بر کسانی است که بدان‌ها آسیب رسانند.

در همگی سنگ‌یادمان‌ها، شاه لباس معمول و رایج سلطنتی آشوری متشکل از لباسی بلند و حاشیه‌دار بر تن دارد و این لباس‌ها تنها تفاوت‌هایی در تزیینات دارند.

تمام این سنگ‌یادمان‌ها در دروازه‌ی شهرها و یا در معابد و در نزدیکی کاخ‌ها، جایی که در معرض دید همگان باشد، نصب شده است. برای نمونه، سنگ‌یادمان زنجیرلی متعلق به آسرحدون که در جنوب ترکیه کشف شده است، بر روی پایه‌ای در دروازه‌ی اصلی، جایی که در معرض دید همگان باشد، نصب شده بوده است و یا سنگ‌یادمان مربوط به ادد-نیراری سوم (۷۸۳ تا ۸۱۰ ق.م.) در کنار تالاری در معبدی تل‌الرماح پیدا شده است (Frame, 2013: 437). سنگ‌یادمان‌ها و نقوش برجسته آشوری در سرزمین‌های مفتوحه و یا در مهم‌ترین مکان در مسیر لشکرکشی و در نزدیکی معابد و کاخ‌ها و یا دروازه‌ی ورودی شهرها نصب می‌شدند.

ب) نقش برجسته‌ها: به‌طور کلی نقوش برجسته‌ی کاخ‌های آشوری نشان‌دهنده‌ی صحنه‌هایی از حیات روزمره‌ی آن امپراتوری است؛ مانند پیروزی در جنگ‌ها، تصرف شهرها، باغ و بوستان‌ها، ساخت‌وسازها، جشن و مراسم‌ها، شاه و درباریان او، شکار شیر و دیگر جانوران که نشان‌دهنده‌ی قدرت و مقام شاه آشوری است به‌همراه شرحی به‌خط میخی آکدی آشوری در جای جای میان این نقوش برجسته. صحنه‌های بزرگ بر روی لوحه‌های گسترده در سرسراها و تالارهای متعدد کاخ‌های کلخو، نینوا و خرصاباد و... حجاری شده است. این نقش‌برجسته‌ها نمونه‌ای از برترین و زیباترین نقوش در دنیای باستان است که بی‌شک هر بیننده‌ای را به حیرت وامی‌دارد و بیانگر شکوه و عظمت و قدرت شهریاران آشوری و یادگاری برای آیندگان و چه‌بسا اسبابی برای رعب و وحشت دشمنان ایشان بوده است؛ درحالی که نقش‌برجسته‌های صخره‌ای به‌جهت محدودیت‌های فراوان اجرایی و عملی در هنگام ساخت از جمله عرصه‌ی محدود صحنه‌ی حجاری و همچنین ارتفاع زیاد محل حجاری، این نقوش، غالباً در مقیاس بسیار محدود و کوچکی اجرا شده و تنها شامل نقش شاه پیروزمند به‌همراه کتیبه‌ای در شرح آن پیروزی است.

نظر به این تفاوت‌ها در طراحی و اجرای سنگ‌یادمان‌های شاهانه و نقوش برجسته‌ی صخره‌ای، مشخص می‌شود که ما با دست‌کم دو سبک متمایز حجاری مواجه هستیم؛ یکی آن که در سنگ‌های یادمان دیده شده و ممکن است در کارگاه‌های سلطنتی توسط صنعتگران و هنرمندان ماهر در مراکز اصلی هنری آشور، برای مثال در نینوا یا خرصاباد تراشیده می‌شده و سپس به محل نصب ارسال می‌شده^{۲۵} (تصویر ۱۵) و یا در محل، به‌دست استادکاران همان کارگاه‌های سلطنتی ساخته می‌شده است. دیگری سبک

نقش برجسته درون کوه که بی‌تردید و منطقاً در محل اجرا شده و شاید نه به دست حجاران و هنرمندان درجه‌ی یک دربار، بلکه به دست هنرمندان بومی و درجه دو. البته نکته‌ی دیگری که قابل ذکر است این که، چون این نقوش برجسته در ارتفاعات بالا و به دور از دسترس تراشیده شده، حساسیت‌های هنری کمتری برای پرداختن به جزئیات نقوش در آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است، جزئیاتی که غالباً از فاصله‌ی دور قابل دیدن نیست؛ ولی سنگ‌های یادمان در مکان‌هایی مانند دروازه‌ی اصلی شهر و یا در داخل یا نزدیک معابد، جایی که در معرض دید عموم باشد، قرارداده می‌شده و بدیهی است که در نهایت دقت و ظرافت ساخته شوند.

پی‌نوشت

۱. برای اهمیت مبادلات بازرگانی شرق و غرب از طریق جاده‌ی خراسان بزرگ در سده‌های دهم تا هفتم ق.م. بنگرید به: Levine, L. D., 1977, "East-West Trade in the Late Iron Age: a View from the Zagros", In: *Le Plateau Iranien et l'Asie centrale des origines à la conquête islamique, Leurs relations à la lumière des documents archéologiques*, ed. by: Deshayes, J., Colloques Internationaux du Centre National de la Recherche Scientifique No 567, Paris: C. N. R. S., pp. 171-186.
۲. نویسندگان در مقاله‌ای تحت عنوان: «سنگ‌نبشته‌های آشوری در ایران: بازساخت تاریخی و جغرافیایی» که در همایش باستان‌شناسان جوان به سال ۱۳۹۴ به صورت سخنرانی درآمد و زیر چاپ است، درباره‌ی کتیبه‌های این آثار یادمانی بحث کرده‌اند.
3. Ayub Rabenou.
۴. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد تکه‌سنگی که بعدها از ناحیه‌ی کرمانشاه یافت شده (تکه‌ی دوم)، متعلق به سنگ‌یادمان تیگلت‌پیلسر سوم بوده و تکه‌ی گمشده‌ی آن است. رنگ این تکه، مانند رنگ تکه‌ی اول به رنگ خاکستری روشن است؛ در هر دو تکه، پیکره‌ی فرد، ایستاده به سمت چپ و ملبس به لباس کلاسیک دوران آشور نو است؛ هر دو تکه توسط خطی که ابعاد آن در هر دو کاملاً یکسان است، کادر بندی شده‌اند که این کادر محدوده‌ی سنگ‌یادمان را مشخص می‌کند. شباهت‌هایی بین کتیبه‌های این دو تکه وجود دارد، از جمله آن که املا‌ی کلمات و فاصله‌ی بین سطرها در هر دو تکه یکسان است. بقایای اندک متن این کتیبه حاکی از آن است که هر دو مربوط به یک موضوع است. در آخر این که در این کتیبه به نام «تلت» از الیبی نام اشاره شده است؛ وی در دوران سلطنت تیگلت‌پیلسر سوم، شلمنصر پنجم و سارگن دوم زندگی می‌کرده است؛ این شخص توسط تیگلت‌پیلسر سوم اسیر شده بوده است؛ بنابراین این سند آشکاری می‌کند که این تکه‌سنگ متعلق به سنگ‌یادمان تیگلت‌پیلسر سوم است (Herrero, 1973: 105-107).
5. Kišesim
۶. برای اطلاعات بیشتر در مورد الیبی و همسایگانش بنگرید به: Medvedskaya, I.N., 1999, "Media and its neighbors I: the localization of Ellipi", *Iranica Antiqua*, vol. XXXIV, pp. 53-70.
7. Nabū.
8. Adad.
9. Ištar.
10. Sibiti .
11. Amurru.
12. Šamaš.
13. Šin.
14. Lamaka.
15. Zinjirli.
16. Tell al-Rimah.
17. Acharnah.
18. Orontes.
19. Ashdod.
20. Til Barsip.
21. Samaria.
22. Carchemish.
23. Nahr al-Kalb.
۲۴. برای مطالعه‌ی بیشتر بنگرید به: (Grayson & Levine, 1975: 29-38; Reade, 1977: 33-44; Spek, 1977: 45-).
۲۵. در نقش برجسته‌ی سناخریب (۷۰۴ تا ۶۸۱ ق.م) که مربوط به جنگ لاکیش (شهری در فلسطین) است، نشان داده شده که چگونه صدها کارگر و یا اسرا و بردگان جنگی با زحمت در حال کشیدن و جابه‌جایی مجسمه‌ی عظیم‌الجثه‌ای هستند (برای مطالعه‌ی بیشتر بنگرید به: Curtis & Reade, 1995: 32-41).

(47)

کتابنامه

- سرفراز، علی‌اکبر، ۱۳۴۷، «سنگ‌نبشته‌ی میخی اورامانات»، مجله‌ی بررسی‌های تاریخی، شماره‌ی پنجم، سال سوم، صص: ۱۳-۳۴.
- شنبه‌زاده، عبدالملک و علی‌بیگی، سجاد، ۱۳۸۹، «نقش برجسته دوره آشور نو در میشخاص ایلام»، مجله پیام باستان‌شناس، سال هفتم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان، صص: ۹۱-۱۰۰.
- شنبه‌زاده، عبدالملک و علی‌بیگی، سجاد، ۱۳۸۹، «نقش برجسته نویافته دوره آشور نو در میشخاص ایلام»، مجله‌ی پیام باستان‌شناس، سال هفتم، شماره‌ی چهاردهم، پاییز و زمستان، صص: ۹۱-۱۰۰.
- مجیدزاده، یوسف، ۱۳۸۰، تاریخ و تمدن بین‌النهرین: هنر و معماری، جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- مظاهری، خداکرم، ۱۳۸۵، «نقش برجسته‌ی صخره‌ای اشکفت گل‌گل: یادگاری از هنر حجاری آشور جدید»، مجله‌ی پیام باستان‌شناس، سال سوم، شماره‌ی ششم، پاییز و زمستان، صص: ۶۳-۷۴.
- ملک‌زاده، مهرداد، ۱۳۸۰، «یادداشت‌هایی باژگون درباره‌ی تاریخ و باستان‌شناسی دوره‌ی ماد»، باستان‌پژوهی، شماره‌ی ۸، پاییز، صص: ۱۰-۲۲.
- ملک‌زاده، مهرداد، ۱۳۸۱، «سرزمین پریان در خاک مادستان»، نامه‌ی فرهنگستان ۴/۵، صص: ۱۴۷-۱۹۱.
- ملک‌زاده، مهرداد، ۱۳۸۲، «دژهای مادی و سپاهیان آشوری»، باستان‌پژوهی، سال پنجم، شماره‌ی ۱۱، پاییز، صص: ۴۷-۵۶.

- Albenda, P., 1974, "Lions on Assyrian wall reliefs", *Journal of Ancient Near Eastern Studies* 6, pp. 1-27.

- Alibaigi, S., Shanbehzaheh, A.M. & Alibaigi, H., 2012, "The Discovery of Neo-Assyrian Rock-Relief at Mishkhas, Ilam Province (Iran)", *Iranica Antiqua* XLVII, pp. 29-40.

- Barnett, R. D., 1976, *Sculptures from the North Palace of Ashurbanipal at Nineveh (668-627 B.C.)*, London: British Museum, Xiii+ 75 pp + lvi pls.

- Curtis, J. E & Reade, J. E., *Art and Empire treasures from Assyrian in the British Museum*, London: British Museum Press, 224 pp.

- Frame, G., 1999, "The Inscription of Sargon II at Tang-i Var", *Orientalia* (New Series) 68, pp. 31-57.

- Frame, G., 2006, "The Tell'Acharneh Stela of Sargon II of Assyria", In: *Fortin, M. (ed.), Tell 'Acharneh 1998-2004: Rappports Preliminaires Sur Les Campagnes de Fouilles Et Saison D'Etudes. Preliminary Reports on Excavation Campaigns and Study Season, Subartu XVIII*, Brussels: Brepols Publishers; Bilingual edition, pp.49-69.

- Frame, G., 2013, "Two Monumental Inscriptions of the Assyrian King Sragon II (721- 705 BEC) in Iran: The Najafabad Stele and the Tang-i Var Rock Relief", *Collection of Papers Presented to the Third International Biennial Conference of the Persian Gulf*, pp. 433- 445.

- Grayson, A. K. & Levine, L. D., 1975, "The Assyrian relief from Shkaf-i Gul Gul", *Iranica Antiqua* XI, pp.29-38.

- Hall, H. R., 1928, *Babylonian and Assyrian Sculpture in the British Museum*, Paris & Brussels: Les Editions G. van Oest, 55 pp. + lx pls.
- Herraro, P., 1973, "Un fragment de stèle neo-assyrienne provenant d'Iran", *Cahiers de la Délégation Archéologique Française en Iran* III, pp. 105-113.
- Kapera, Z. J., 1976, "The Ashdod Stele of Sargon II", *Folia Orientalia* XVII, pp. 87-99.
- Leichty, E., 2011, *The Royal inscriptions of Esarhaddon King of Assyria (680–669 B.C.)*, Volume IV, Indiana: Winona Lake, xxxiii + 352 pp.
- Levine, L. D., 1972, *Two Neo-Assyrian Stelae from Iran*, *Royal Ontario Museum, Art and Archaeology, Occasional Paper XXIII*, Toronto: Royal Ontario Museum, Printed by Thorn Press, 86 pp.
- Medvedskaya, I.N., 1999, "Media and its neighbors I: the localization of Ellipi", *Iranica Antiqua*, vol. XXXIV, pp. 53-70.
- Parpola, S. & Watanabe, K., 1988, *State Archives of Assyria*, Volume II: Neo-Assyrian Treaties and Loyalty Oaths, By the Neo-Assyrian Text Corpus Project and Helsinki University Press, ix+ 123 pp.
- Parpola, S. & Porter, M., 2001, *The Helsinki Atlas Of The Near East In The Neo-Assyrian Period*, The Casco Bay Assyriological Institute and the Neo-Assyrian Text Corpus Project.
- Parrot, A. & Nougayrol, J., 1956, "Asarhaddon et Naqi'a sur bronze du Louvre (AO 20. 185)", *Syria*, T. 33, Fasc. 1/2, pp. 147-160.
- Radner, K., 2010, "The Stele of Sargon II of Assyria at Kition: A Focus for an emerging Cypriot identity?", In: *Robert Rollinger et al. (eds.), Interkulturalität in der Alten Welt: Vorderasien, Hellas, Ägypten und die vielfältigen Ebenen des Kontakts*, Philippika: Marburger altertumkundliche Abhandlungen XXXIV, Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, pp. 429-449.
- Reade, J. E., 1977, "Shkaft-i Gul Gul: Its date and symbolism", *Iranica Antiqua* XII, pp. 33-48.
- Reade, J. E., 1995, "Iran in the Neo-Assyrian period", In: Liverani, M. (ed.), *Neo-Assyrian Geography, (Quaderny di Geografia Storica, 5)*, Roma, pp. 31-42.
- Tadmor, H. & Yamada, S., 2011, *The Royal inscriptions of Tiglath-Pileser III (744–727 B.C.) and Shalmaneser V (726–722 B.C.)*, *Kings of Assyria, Royal Inscriptions of the Neo-Assyrian Period (RINAP) I*, Indiana: Winona Lake, xxii + 211 pp.
- Tadmor, H., 1994, *The Inscriptions of Tiglath-Pileser III, King of Assyria*, Critical Edition, with Introductions, Translations and Commentary, 2nd edition, Jerusalem, xv + 317 pp., lx pls.
- Thureau-Dangin, F., 1929, "Tell Ahmar", *Syria*, T.10, Fasc3, pp. 185-205.
- Van der Spek, R. J., 1977, "The Assyrian Royal Rock Inscription from Shkaft-i Gul Gul", *Iranica Antiqua* XII, pp. 45- 47.
- Weissbach, F. H., 1922, *Die Denkmäler und Inschriften an der Mündung des Nahr-el*, Berlin und Leipzig, xiv+ 54 pp.